



2012/09/16

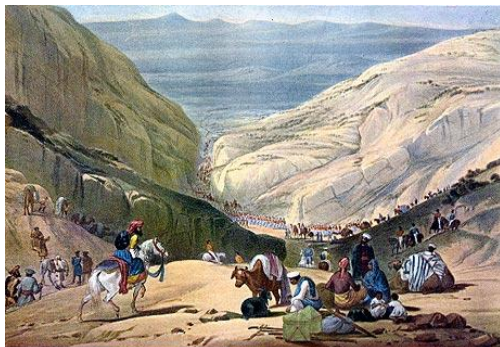
عبدالحمید سامع

## تاریخ سخن میگوید، آیا ما هم سخنگوی هستیم؟ به فاتحان جنگ های استقلال طلبانه افغانستان نباید بی حرمتی کرد!

از مدتی بدینسو، عده از «قلم بدستان» بخصوص از دیار «مهاجرت» و زندگی مرفح، با «قلم های رنگه» مصروف تزئین و یا بدرنگ ساختن جدید تاریخ کشور ما مطابق میل خود اند. چه بسی مناقشاتی نیست که میخوانیم. خصوصاً از صف «بیکاران و محتاجان کمک سوسیال» در کشور های اروپایی و شمال امریکا، بیشتر از دیگران در مسابقه نویسندگی مشغول اند. یکعه که ممکن در فکر کسب شهرت و معرفت برای اشغال مواضع تبلیغاتی برای انتخابات ریاست جمهوری آینده کشور بحرانی ما باشند، حین پخش تبلیغات به نفع موقف اجتماعی فعلی غنی خود از طریق میدیاهای جدید، می کوشند، تاریخ کشور ما را دوباره بنویسند و تعدیلات را در «فورمولبندی» های جدید، طوری ذکر کنند که از یک امر حتمی به اظهار احتمالی و ممکن پانین بیاورند، تا با مقامات و فرزندان و نواسه های «استعمار کهنه»، به اصطلاح «نمره خراب» نداشته باشند، زیرا افراد مسلح آنها را در کشور ما می بینند. افسوس بحال کسانی که در مسیر انکشاف جوامع در تاریخ، درک نتوانند، که در مجموع اقل با تضاد میان نو و کهنه چگونه مقابل می گردند.

امروز 15 سپتمبر 2012 میلادی خبر داده شد، که در نتیجه حمله طالبان بر موضع «ناتو» در هیلمند، دو نظامی امریکایی کشته شده اند. در عین زمان از موجودیت شهزاده انگلیسی، که بحیث «پیلوت هلیکوپتر» در هیلمند ایفای وظیفه می نماید، تذکر داده شده است، منابع خبری از سلامتی او خبر می دهند. قریب ده سال قبل، زمانیکه قوای «انگلیسی» وارد هیلمند گردیدند، همین «بی. بی. سی.» خود جنگ «میوند» (بیش از 132 سال قبل) را بیاد ما آورد. بعضی در همان روزها ورود قوای انگلیسی را «بمثنایه انتقام گیری» انگلیس به ارتباط شکست آنها در «میوند» تبلیغ نمودند، که بطور اعظمی باید، جنگی های «طالب» از آن سود برده باشند. سؤال است، که «بی. بی. سی.» در آنوقت چرا اینرا مطرح نموده بود؟ چنین اظهارات می تواند در وقت قدرت و بالا دستی ممکن باشد.

البته اینرا هم می دانیم، که آن جنگ مردم افغانستان، علیه اشغالگران استعماری بوده است. در صف نسل بعدی از همان استعمارگران، کسانی هم می توانند وجود داشته باشند، که همان سیاست استعمار کهنه را غارتگرانه بدانند. آنچه امروز و یا در سالهای بحرانی اخیر در کشور ما افغانستان صورت می گیرد، کاملاً با شرایط آنزمان تفاوت دارد. مجریان این حمله خود، انگیزه حمله را گفته اند.



آنچه روز تا روز در مقاطع تاریخی کشور ما ابر تاریک ایجاد می گردد، اینست که بیشتری از حقایق که قبلاً توسط دانشمندان و محققان بین المللی، ثبت تاریخ گردیده است، درین مقطع بحرانی، با توضیحات سطحی، غیر مستند و ذهنی و یا با مبالغه در توصیف و هم چنان افراط در بد بینی، با شخصیتها، که از جانب بعضی ها براه افتاده است، رو پوش می گردد. در عصر پخش «الکترونیکی» اخبار و معلومات سریع السیر، مشکل است، با مالکین همچو تخنیک مقابله کرد، ولی از جانب دیگر در صورتیکه دقت و جست و جو صورت گیرد، مطالب کافی و حقایق بی شمار را هم درین منابع، می توان دریافت کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



درست 170 سال قبل از امروز، در ماه های اگست الی اکتوبر 1842 در باره جنگ اول افغان و انگلیس (1839م-1842م)، نمونه های از تصاویر را از نظر می گذرانیم:

در پای این تصویر آمده است که قوای برتانوی از یک دره بسوی نقاط مرکزی افغانستان در حال عبور اند. در تصویر بعدی صحنه حمله مدافعین افغانستان را در آنوقت، بر عساکر هند برتانوی را ترسیم نموده اند. هیچ کس حق ندارد با تذکرات ذهنی فعلی خود، آن وقایع تاریخ را تحریف کند. البته، نام های «برنس»، مکناتن، «پولک» و «نات» و غیره را نویسندگان انگلیس، با نقش و

سروش آنها، بدون تغییر، می نویسند. ما هم حق نداریم، حقایق را بمیل خود تحریف کنیم و به وقایع تاریخی، بعنوان داستان سرگرمی بنگریم. نام وزیرمحمد اکبر خان و سائر راه روانان او مستحق احترام اند. نباید فراموش کنیم که انگلیس ها توسط مدافعین افغان شکست دیده اند، اما حرکات جزائی قوای انگلیسی در کشور ما هم، دریای خون جاری کرده بودند. به هیچ شکلی حق نداریم در فکر آن باشیم که مسئولیت غارتگرانه استعمار انگلیس را در برابر خاک و وطن ما نرم و یا غیر سهیم جلوه دهیم. اگر امروز اسنادی مبنی بر دخالت مستقیم عساکر انگلیس را در دست نداشته باشیم، رد و زیر شک قرار دادن، احتمالی بکار انداختن «اجیران» و هدایات مخفی آنها را هم صلاحیت نداریم. از کجا می دانیم که به چه پیمانانه انگلیس، در یک نقشه مخفی دست داشته و یا نداشته است. استعمال مفت کلمات ما و آنها، را بدون سنجش و ارائه سند، فقط می توان بعنوان فضل فروشی و گریز از حقایق دانست.



تصویری از جنگ دوم افغان و انگلیس. (1878م-1880م). با جنگ میوند نام سردار محمد ایوب خان پسر امیر شیر علی خان برادرزاده وزیر محمد اکبر خان، که، فاتح میوند، در عین زمان نام



«شیر میوند» را کمایی کرده است، با نام فراموش ناشدنی «ملالی»، ثبت تاریخ پر افتخار کشور ما گردیده است. هیچکس حق ندارد که بشکلی از اشکال، درتاریخ کشور ما، این نام های با غیرت و با عزت فرزندان کشور ما را مکرر سازد. **هیچ یک از «طالبان» که سیاست افراطیون را علیه حقوق زنان و دختران کشور ما مورد تأیید قرار می دهند، حق ندارند، با نام ملالی افتخار کنند.** (یک متن انگلیسی در پای همین عکس منتشر شده است: ترجمه غیر رسمی چنین است: 11 نفر ایستاده، پاسبانان و پیروان (Regiment «ریجیمنت» 66 (واحد نظامی 66 در جنگ میوند). درعکس رنگه در پائین عساکر انگلیسی را درحال فرار یاخروج از میدان جنگ میوند می دانند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

آغاز جنگ سوم افغان و انگلیس را در منابع «انترنت» 6 ماه می 1919م و ختم محاربه را 8 اگست 1919م یاد کرده اند. در ذیل از اسناد تاریخی می خوانیم:

اعلیحضرت امان الله خان بتاريخ 13 اپریل در کابل چنین اعلان داشته بود: «من خود و کشورم را کاملاً آزاد اعلان می نمایم، که خود را خود اداره می نماید و حاکم در امور داخلی و خارجی آن می باشد. کشور من بدین ترتیب یک دولت مستقل است، مانند سایر دول جهان.» بعد رو بسوی سفیر انگلیس نموده و از وی می پرسد: «سفیر، آیا فهمیدی چیزی که من گفتم؟»، سفیر، «لارڈ خیل مسفورد» به جواب می گوید: «بله، من فهمیدم».

مانند دو جنگ اول و دوم افغان و انگلیس، از صحنه های جنگ سوم تصویر در اختیار ندارم. در یکی از منابع معتبر تاریخی، میخوانیم:

« در اواخر ماه می در جنوب قندهار، ساحه سرحدی سپین بولدک، برخورد های شدیدی بوقوع پیوست. مداخله گران این پوسته را زمانی اشغال توانست که تمام «گارتیزیون» را نابود ساخته بودند. از جمله 600 عسکر و افسر افغانی فقط 17 نفر با تن سالم ماندند، 414 نفر به شهادت رسیدند. 169 نفر زخمی و یا اسیر شدند.

فعالیت های محاربه ای بیشتر در جبهات مرکزی کسب شد می نمود. در آن بخش قوای افغانی تحت فرماندهی سردار محمد نادر خان، که از حمایت واحد های قومی و حامیان برخوردار بوده است، ابتکار را در دست گرفته بود.

آنها از سرحدات هند برتانوی عبور نموده، داخل وزیرستان شدند، که در آنجا با استقبال گرم مردم رو برو گردیدند. انگلیس ها از جانب خویش به تبلیغات پرداخته، پوسته های نظامی خویش را تقویت بخشیدند، اقوامی را که باهمدیگر در اختلاف در گیر بودند، تاراج نمودند، تا دشمنی دیرینه را زنده نگهدارند. حتی دست به تهدید بردند، تا در وقایع سهم نگیرند. لیکن در همه جا استقبال ادامه داشت. واحد های اقوام مسعود (مسود، مسید؟)، احمدزی، کابل خیل، وزیر منجمله با مقدار زیاد سلاح های دست داشته خود شان، تجمع نموده، به جنگ پر از قربانی متعهد شدند.

با شروع جنگ سوم افغان - انگلیس، سیستم سیاسی ای که بر اساس رشوه در بین اقوام شرق افغانستان از مدت ها قبل توسط حکمرانان استعماری با دقت در سرحدات افغانستان بنا یافته بود، فرو ریخت. تمام «نشان زنان خیبر»، «خاندوینان وزیرستان» و «ملیشه های مومند»، همه بطور سازمان یافته، با سلاح های دست داشته، به قوای کابل پیوستند. مقامات انگلیس مجبور به انحلال تعداد زیادی از چنین تشکیلات گردید. تمام وزیرستان را قیام سر تاسری مردم فرا گرفته بود. این امر به پیروزی افغان ها باری رسانید. واحد های تحت رهبری شاه ولی خان، استحکامات وانه را اشغال نمود. سردار محمد نادر خان پوسته های اسپین فام (Spinvam)، را با یک هجوم تصرف نموده، همچنان شهر تل را نیز اشغال کرد، که بدینترتیب مهمترین پایگاه انگلیسی درین منطقه، قرار گاه تل را در تحت کنترل خویش در آورد. بدینترتیب حوادث به نحوه دیگری، خلاف آنچه برتانوی ها می خواستند، انکشاف نمود. فعالیت های جنگی در ارتباط باشکست کامل مداخلات انگلیس ها در آسیای میانه و تحکیم روسیه شوی باعث تقویت و انکشاف جنبش های آزادیبخش در هند گردید. . . بتاريخ 3 جون 1919م آتش بس عقد گردید. انگلیس که در جنگ جهانی به پیروزی نایل آمده بود، در افغانستان به ناکامی رو برو گردید. . . بتاريخ 27 می تاشکند پیامی را از لین و کالین دریافت که باید، بدربار امیر می رسانید. درین نامه برای «مردم افغانستان آزاد که قهرمانانه، استقلال خویش را از ستمگران خارجی دفاع نموده اند.» تبریک گفته، پیشنهاد تبادل نمایندگی را بزبان آورده بودند. . . « (نشرات اکادمی علوم جتماعی، مسکو، 1981 )

بر اساس حقایق فوق از منابع خارجی بصراحت به همه آزادمنشان افغان مراجعه نموده، ابراز می نمایم، که استقلال برای نیاکان ما و برای همه ما مقدمترین ارزش است، که در نتیجه سه جنگ آزادی خواهی، خاصاً جنگ سوم در زمان اعلیحضرت امان الله خان ثبت تاریخ گردیده است. این آزادی به ابتکارات و ضرب شمشیر مردانه مبارزان سرسپرده اقوام متذکره، تحت رهبری سردار محمد نادر خان و سردار شاه ولی خان برادرش، بدست آمده است. در 93 سال کس فراموش نکرده و در آینده هم بخصوص تل و وانه جای پای آنها را فراموش نخواهند نمود. تذکر کلمات نا شایسته به آدرس این

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

رهبران گذشته وطن می تواند فقط از زبان انسانهای، کوتاه فکر، خود خواه و مغرض، حافظ منافع بیگانه ممکن باشد. (اشاره به مقاله منتشره 14 سپتمبر 2012 افغان جرمن آنلاین تحت عنوان د اعلیحضرت امان الله خان په باب ...)

در مذاکرات با انگلیس نام های معروف رهبران جنبش مشروطیت و همچنان در صف جنرالان، پیروز در جنگ سوم افغان



و انگلیس، نام سپهسالار محمد نادر خان، ثبت تاریخ گردیده است، که به مقام وزارت دفاع از جانب اعلیحضرت امان الله خان تعیین گردیده بود. نقش و خدمات هیچ یک نباید، بشکلی از اشکال، لطمه دار شود. ارزیابی فعالیتها و خدمات هر انسان بر حسب اصول، عادلانه طوری قضاوت شود که صورت پذیرفته است. مؤرخین خارجی می گویند، که برتانیه در طی هشت دهه، از سال 1839 الی 1919، سه جنگ را علیه افغانستان براه انداخته است. این جنگ ها، عمده ترین نیروی حرکت به پیش را در وقفه های زمانی متذکره، از مردم ربوده است. در حقیقت امر وقتی این مؤرخین می گویند که، هدف برتانیه متمرکز بدان بوده است، که افغانستان را در قید مستعمرات خویش بیاورد و یا اقلأ

آنها تحت کنترل خود در آورد. چه کسی حال پس از قریب یکصد سال، حق دارد که با تخیل اهداف شناخته شده استعمار را کم و یا زیاد وزن کند. در جریان 10 سال سلطنت اعلیحضرت امان الله خان، که «ریفرم» های مفیدی هم براه افتاده بود، کشور با اغتشاشات و شورش های داخلی خونین روبرو گردید، که متأسفانه باعث سقوط رژیم اصلاح طلب گردید. بلاخره بتاريخ 14 ماه جنوری 1929، شبانگاه پادشاه، به نفع برادرش عنایت الله خان از تاج و تخت استعفاء نموده، روز بعد با مربوطاتش به قصد قندهار فرار نمود و تا سال 1960، قرار اطلاع آگاهان در ایتالیا، در همین خانه شخصی خود زندگی نموده است.

پای

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ